



سیاست کردن و آسیب پذیری زنان

اینکه در کشور ما افغانستان زنان مورد تبعیض جنسیتی و خشونت های گوناگون قرار دارند، موضوعی است مبرهن و عام. ولی هرگاه هر نوع این مشکلات را در هر ساحه به صورت همه جانبه مورد مطالعه قرار بدهیم، کاریست که متأسفانه هنوز از حوصله اجتماع ما خارج است. زیرا از یک طرف به مشکلات زنان اهمیت لازم معطوف نمیگردد و آنرا جزء از زندگی میدانیم و از جانب دیگر از اثر تعدد آن حیران هستیم که کدام را بر شماریم و تحلیل نمائیم.

پدیده جدیدی که از بیشتر از نیم قرن در جامعه ما بروز کرده است، بیداری قشر زن در ابعاد وسیعتر و علاقمندی آنها به اشتراک در مسایل سیاسی کشور میباشد. این پدیده مثبت متأسفانه جهات منفی زیادی هم دارد که به زنها آسیب های روانی، فامیلی، اجتماعی، جسمانی و حتی حیاتی وارد نموده که همه به صورت مشترک، دست و پا گیر زنان گردیده و مانع کار فعال آنها در امور سیاسی و اجتماعی میگردد. و سایرین برای حفظ خویش مجبور میشوند که دیگر به دور این شمع کم نور دور هم نخورند.

در این نوشته میخواهم تا از دو موضوع مشخص یاد آوری نمایم.

● نخست: به یاد داریم که اشتراک و قهرمانی های مردم منجمله زنان در انتخابات چنان ظرفیت های مثبت مردان و زنان کشور را نمایان ساخت، که بعضی ها از انقلاب و حماسه سخن زدند و آنرا ارج گزاری نمودند. ولی اینکه این پروسه مانند هر پدیده مثبت دیگر به بیراهه کشانیده شد، خود تراژیدی است که نقش پای آن در دل تاریخ کشور باقی خواهد ماند. و اما در این بحث میخواهم توجه شما خواننده محترم را به "محصول" ضمنی این پروسه معطوف بدارم و آن اینکه: زنانی که فعالانه در یکی از تیم های انتخاباتی سهم گرفته اند، با کدام مشکلات رو برو گردیده و میگردند؟ با یک جمله میتوان جواب داد که این زنها که با اعتقاد و اعتماد به درستی سیاست یک و یا تیم دیگر فعالیت مینمایند، مینویسند و با قبول خطر جانی عرق میریزند، خیلی "نامردانه" از جانب "مخالفین" مورد اذیت، بهتان و توهین قرار میگیرند. تیم های مخالف با استفاده از هر وسیله یی باعث آزار آنها گردیده و میخواهند آنها را از صحنه سیاست فعال دور نمایند. در این جمله زنانی که در سطح کاملاً بالا و نزدیکتر به کاندیدها فعالیت مینمایند، به خطرات کمتر مواجه اند، ولی آنهایی که در دامنه وسط و وسیع تر جامعه فعالیت مینمایند، آماج آزار های سازمان یافته بزرگ روحی قرار میگیرند و این خانم ها باید به تنهای رنج بزرگ روانی و حتی جسمانی را متحمل شوند. آیا این کار عادلانه است؟ آیا این کار پروسه بیداری مردم را به قرون وسطایی دوباره نمیکشاند؟ آیا زنان را در کار های سیاسی و اجتماعی محافظه کار تر از پیش نمی سازد؟

به نظر من برای رفع این معضله و فراهم آوری زمینه برای کار سیاسی زنان در مرحله فعلی دو قدم ضروری میپندارم:

1. بیداری، حساس بودن و حمایت مردان سیاسی با وجدان، و همبستگی خود زنان. هرگاه آنها میبینند که زنی مورد تهاجم روانی قرار میگیرد، باید در دفاع از وی عمل نمایند. تا از یک طرف زنان در کار شان بیشتر تقویت گردند و از جانبی هم جو و فضای فرهنگی افغانها به تدریج به سوی مثبت تغییر یابد.

2. در تمام واحد های سیاسی مانند تیم های انتخاباتی، احزاب و سازمانها... لازم است تا یک گروه مشخص کاری ولو کوچک برای دفع تبلیغات منفی بر ضد اعضای اناث آن واحد ها ساخته شود. که در این حلقه زنان و مردان حضور داشته باشند. این گروه میتواند تبلیغات زهر آگین را جمع آوری نموده و در خنثی سازی آن اقدام نماید. و هرگاه خانمی خطر جسمانی را احساس میکند، بداند که به کدام ارگان موظف در داخل واحد سیاسی خویش مراجعه نماید.

● موضوع دوم این بحث جهت اخلاقی سیاست است. بسیاری از خواهران ما مخصوصاً در افغانستان که به کار های سیاسی و اجتماعی مصروف اند، شکایت دارند که مرد های همکار و همچنان بعضاً اعضای خانواده تصور مینمایند که خانمی که پا در محیط کار، سیاست... در بیرون از منزل گذاشت گویا از لحاظ اخلاقی فاسد است. این مسأله بعضاً حتی از جانب اشخاص بسیار روشنفکر نیز چنین تلقی گردیده و آنها تصور مینمایند که چنین خانم ها سست اخلاق اند. این طرز دید در برخ موارد حتی ویرانگر تر از حالت اولی که در بالا ذکر گردید، میباشد. ابراز و انتقال این احساس برای خانمها بسیار تحقیر آمیز بوده، اعتماد شانرا نسبت به جامعه از بین برده و در بسیاری از موارد باعث گوشه گیری آنها میگردد. البته خانمهای که دارای روحیه قوی اعتماد به نفس اند، این موضوعات را به شکل درست آن میتوانند حل نمایند، ولی تصور نمائید که زنان و به خصوص دختران جوان و بی تجربه که میخواهند کاری برای وطن و مردم خویش انجام بدهند، در این مورد به چه مشکلاتی مواجه میباشند. در این مورد هم دو راه حل را پیشنهاد مینمایم:

1. اول: همین معضله باید در بحث های عام به شکل آگاهانه و هدفمند تجسم پیدا نموده و در جامعه به حیث یک مشکل همگانی به صورت علنی عرض اندام نماید. و از طریق وسایل اطلاعات جمعی روشنگری صورت بگیرد. تا هر زن بداند که وی در این حالت تنها نبوده و جرئت دفاع از خود را پیدا نماید و مردان نیز متوجه اشتباه خود گردند.
2. : در سازمانهای زنان، و سایر نهاد های مدنی در این مورد سمینارهای برای زنان دایر گردیده و آنها را در این ارتباط از لحاظ روانی و تخنیک های دفاع خودی تقویت نمایند.

هرگاه ما طرفدار پیشرفت جامعه و زن افغان هستیم و هرگاه مشارکت زنان را پیش شرط این پروسه میدانیم، باید آگاه باشیم که این خواست ما یکبارگی و به صورت معجزه آسا تحقق نمی پذیرد. بلکه همین قدم های کوچک اند که باید متوجه آنها بود و به آنها اهمیت قایل شد. هیچ راهی بدون طی کردن هر ملی متر به سر منزل مقصود نمی رسد، از جمله بهروزی مردم افغانستان.